

“A Ra’ayt” and Similar Arabic Expressions in Works of Quranic Exegesis



Kavous Roohi Barandagh 

Associate Professor in *Quran* and Hadith Studies, Tarbiat Modares University,
Tehran, Iran (K.Roohi@modares.ac.ir).

Abstract

In the Holy *Qur'an*, the expression *'ara'yat* and its similes are frequently applied. These expressions are among the most difficult combinations of the *Qur'an*. In the upcoming study, we intend to study the application of these combinations in the *Qur'an* and re-read the analysis of the meaning of each case of their applications in the *Qur'an* with a critical approach. In this study, we specifically want to compare the analyzes reflected in the four works of *Al-Durr al-Maṣūn* by Samin al-Ḥalabī, *I'rāb al-Qur'an al-Karim wa bayānub* by Muḥyī al-Dīn Darwīsh, *al-Tabrīr wa al-Tanwīr* by Ibn 'Āshūr, and *al-Mizān* by Ṭabāṭabāyī about the applications of this linguistic structure. These four works seem to reflect the analyzes aforementioned in books of the *I'rāb al-Qur'an*, literary interpretations of the *Qur'an*, and contemporary interpretations. Our purpose is to find out what exactly the different applications of this structure mean and which of the commentators have analyzed these applications more correctly. We aim to defend this hypothesis that considering the attention of all commentators to the rhetorical subtleties of the applications and its effect on the meaning of the verses, and considering the distinction of the various applications of these expressions in similar structures, the contribution of the commentary of Samin al-Ḥalabī in the literary analysis of the applications, and the contribution of two contemporary commentaries, Ibn 'Āshūr and Ṭabāṭabāyī are worthy of attention in terms of matching the meaning of interpretation with literary points.

Keywords: *'ara'yat* structure, *I'rāb al-Qur'an*, Literary *Qur'an* Interpretations, Contemporary *Qur'an* Exegesis.

Original Research


Received: 23/ 11/ 2022, accepted: 2/ 1/ 2023, and published: 2/ 1/ 2023, Pages: 166-186.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.1.7.0

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



معنای ساختار آرایت و فروع آن: مطالعه انتقادی آراء تفسیری

کاوس روحی برندق

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
(K.Roohi@modares.ac.ir)

چکیده

در قرآن کریم تعبیر آرایت و امثال آن مکرر به کار رفته است. این تعبیرات از ترکیب‌های دشواریاب قرآن به‌شمار می‌آیند. بنا داریم در مطالعه پیش‌رو کاربردهای این ترکیبات را در قرآن مطالعه کنیم و تحلیل‌ها از معنای تک‌تک موارد کاربرد قرآنی آن‌ها را با نگاهی انتقادی بازخوانیم. در این مطالعه مشخصاً می‌خواهیم تحلیل‌های بازتابیده در چهار اثر *الدر المصون* سمین حلبی، *اعراب القرآن الکریم* و *بیانه* محیی‌الدین درویش، *التحریر و التنویر* ابن‌عاشور، و *المیزان* طباطبایی از کاربردهای این ساختار زبانی را با هم‌دیگر مقایسه کنیم؛ آثاری که به نظر می‌رسد می‌توانند بازتاباننده تحلیل‌های مذکور در کتب *اعراب القرآن*، تفاسیر ادبی، و تفاسیر معاصر فریقین باشند. هدف آن است که دریابیم کاربردهای مختلف این ساختار دقیقاً چه معنایی را افاده می‌کند و کدامیک از مفسران تحلیل دقیق‌تری از این کاربردها کرده‌اند. بناست از این فرضیه دفاع کنیم که درعین توجه هرچهار مفسر به ظرائف بلاغی کاربردها و تأثیر آن بر معنای آیات، و درعین تمایز کاربردهای متنوع آرایت در ساختارهای شبیه‌به‌هم، سهم تفسیر *الدر المصون* سمین حلبی در تحلیل ادبی کاربردها، و سهم دو تفسیر معاصر، *التحریر و التنویر* ابن‌عاشور و *المیزان* طباطبایی، در توجه به تطابق معنای تفسیری با نکات ادبی شایان توجه است.

کلیدواژه‌ها: ساختار آرایت، اعراب القرآن، تفاسیر ادبی، تفاسیر معاصر قرآن.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲، پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲، نشر: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲، صفحه ۱۶۶ تا ۱۸۶.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.1.7.0

درآمد

یکی از تعابیر دشوار قرآن آرایت و تعابیر مشابه است: اَرَائِيكُمْ، اَرَائِيكُمْ، رأيت، رأيتم، اَرَائِيكُمْ... درباره معنای این تعابیر تا کنون ۴ مطالعه منتشر شده است. عبدالله بن حمد دائل به تحلیل صوتی، صرفی، نحوی و بلاغی این ساختار پرداخته است (بنگرید به: دائل، «آرایت...»، سراسر مقاله). محمد حسین باسم نیز به تحلیل گزینشی چند آیه پرداخته است (بنگرید به: باسم، «آرایت فی القرآن...»، سراسر مقاله). با توجه به این که در یک تحقیق یا باید تمامی افراد جامعه آماری بررسی گردد یا افراد گزینش شده بر اساس الگوهای نمونه‌گیری گزینش گردد، هیچ‌یک از این دو مطالعه دستاوردی ندارند که بتوان به تمامی مصادیق کاربرد تعبیر در قرآن تسری داد.

در مقاله دیگری، کاوس روحی برندق کوشیده است با ارائه تحلیل ادبی، بلاغی و تفسیری، چارچوبی برای تفسیر و ترجمه ساختار آرایت و فروع آن در قرآن کریم بازنماید (بنگرید به: روحی، «ارائه چارچوبی برای تفسیر...»، سراسر مقاله). برپایه دستاوردهای مؤلف این مقاله، ترجمه صحیح ساختار آرایت در اغلب کاربردهایش باید معنایی شبیه به این را افاده کند: «هان! به من خبر دهید؛ آیا هیچ توجه کرده‌اید که...؟!» (بنگرید به: روحی، «میزان پای‌بندی ترجمه‌های فارسی...»، ۲۶۱). همین مؤلف در مقاله دیگری نیز ترجمه‌های فارسی قرآن برپایه میزان پای‌بندی مترجمان به مؤلفه‌های معنایی آرایت را سنجیده است (همان، سراسر مقاله).

طرح مسئله

در مطالعه کنونی هدفی دیگر دنبال می‌شود. بناست با این مطالعه دریابیم در مباحث مفسران و عالمان علوم قرآن در خلال سده‌ها، چه اندازه کاربردهای قرآنی ساختار نحوی آرایت و موارد مشابه آن به‌درستی درک و تحلیل شده است. در مقاله حاضر بناست با مرور همه کاربردهای ۴۰ گانه ساختار در قرآن کریم، تحلیل‌ها از کاربرد آن در کتب اعراب القرآن، تفاسیر ادبی و تفاسیر معاصر فریقین بازکاویده شود.

به این منظور، چهار اثر به نمایندگی از مجموع این آثار انتخاب شده‌اند؛ آثاری که انتظار می‌رود هر یک بتوانند بازتاباننده آراء عرضه‌شده در یکی از چهار حوزه یادشده باشند: الدر

المصون سمین حلبی (درگذشته ۷۵۶ق) به نمایندگی از تفاسیر ادبی، *اعراب القرآن الکریم* و *بیانه* از محیی‌الدین درویش ادیب معاصر سوری (درگذشته ۱۹۸۲م/۱۳۶۱ش) هم‌چون اثری بازنماینده تحلیل‌های نحوی، و دو تفسیر *التحریر و التنویر* ابن‌عاشور (درگذشته ۱۹۷۳م/۱۳۹۳ق/۱۳۵۲ش)، و *المیزان طباطبایی* (درگذشته ۱۴۰۲ق/۱۳۶۱ش) به نمایندگی از تفاسیر معاصر عامه مسلمانان و شیعیان.

۱. مبانی نظری بحث

برای این منظور، پیش از آن‌که بخواهیم یافته‌های تحقیق را از ۴ کتاب نامبرده در زمینه کارکردهای ساختار رأیت استخراج کنیم و به تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های ساختار رأیت و مصادیق قرآنی مورد اختلاف و چالش‌زا بپردازیم، لازم است مقدماتی در توضیح مبانی نظری بحث بیان کنیم.

۱-۱) معنای ریشه

ریشه رأی در قالب مشتقات گوناگون ۳۲۸ بار در ۷۲ سوره و ۲۹۷ آیه از قرآن به‌کار رفته است (عبدالباقی، *المعجم المفهرس*، ۳۵۷-۳۵۸). مشتقات این ریشه در اغلب کاربردها در معنای دیدن، و به معنای حقیقی یا همان دیدن به وسیله چشم استعمال شده‌اند. در مواردی نیز معنای مجازی اراده شده که همان بصیرت، آگاهی پیدا کردن یا دانستن است (بنگرید به: ابن‌فارس، *مقاییس اللغة*، ۲/ ۴۷۲) به‌کار رفته است. در سخن از کاربردهای قرآنی ریشه، می‌توان برای کاربرد آن در معنای دیدن با چشم، به ترتیب آیات ۶۲، ۸۰ و ۸۳ از سوره مائده را مثال آورد:

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ.

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا.

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ.

در سخن از کاربردهای قرآنی ریشه در معناهای مجازی نیز راغب اصفهانی (*المفردات*،

۱/ ۳۷۴) این موارد را برشمرده است:

(۱) ادراک با وهم و خیال، مانند آیه «وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا...» (انفال/ ۵۰)؛

(۲) ادراک به‌وسیله قوه فکر و اندیشه، مانند آیه «إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ» (انفال/ ۴۸)؛

۳) ادراک با تعقل، مانند آیه «ما كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (نجم/ ۱۱) یا «لَقَدْ رَأَى نَزْلَةً أُخْرَى» (نجم/ ۱۳)

مصطفوی (التحقیق، ۴/ ۱۱) تحلیلی متفاوت بازمی‌نماید. به نظر او معنای اصلی این ریشه نگریستن و زیرنظر گرفتن چیزی است؛ و البته، چنین نگریستنی به صورت‌های گوناگون امکان‌پذیر می‌گردد: گاه با چشم، گاه با قلب، گاه با شهود روحانی و معنوی، و گاه با قوه خیال (که صورت اشیاء و معانی را به تصویر می‌کشد). وی برای هریک از این اقسام نمونه‌هایی را نیز برمی‌شمارد:

۱) دیدن با چشم: نساء/ ۱۵۳؛ انعام/ ۷۷؛ نمل/ ۱۰؛ انبیاء/ ۳۶؛ فرقان/ ۴۱؛ شعراء، ۶۱؛ ملک/ ۳؛ نصر/ ۲.

۲) دیدن با قلب: اسراء/ ۱؛ نجم/ ۷؛ تکویر/ ۲۳؛ نکاتر/ ۶، ۷.

۳) رؤیت شهودی: انعام/ ۷۵؛ اعراف/ ۱۴۳؛ طه/ ۴۶؛ نجم/ ۱۱، ۱۸.

۴) رؤیت در خواب: انفال/ ۴۳؛ یوسف، ۳۶؛ صافات/ ۱۰۲.

۵) رؤیت با عقل: حج/ ۱۸؛ نور، ۴۱؛ مجادله/ ۷.

۶) رؤیت با قوه خیال: نمل/ ۸۶؛ فاطر/ ۸؛ قصص/ ۳۱؛ معارج/ ۶.

۲-۱) معانی ریشه در ساختار آرایت

با پذیرش همین معانی برای ریشه، در سخن از معنای ساختار آرایت نیز می‌توان چند معنا را محتمل دانست. یک معنای محتمل این است که منظور همان رؤیت بصری و دیدن با چشم باشد. معنای محتمل دیگر آن است که دانستن، شناختن، و تأمل کردن منظور باشد؛ یعنی همان معنا که در کاربردهای ریشه به صورت یک‌مفعولی مشاهده می‌شود. سومین معنای محتمل آن است که دانستن و آگاهی یافتن به همان معنایی قصد شده باشد که در کاربردهای ریشه به صورت دومفعولی معمولی و بدون آن‌که از افعال قلوب باشد مشاهده می‌شود.

به‌همین ترتیب، ممکن است کاربرد این ساختار در زبان قرآن بر همان معنایی دلالت کند که با کاربرد مشتقات رأی هم‌چون افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و یقین کردن اراده می‌شود، یا آن معنایی که از افعال قلوب دومفعولی به معنای ظن و گمان کردن اراده می‌شود، یا حتی احیاناً آن معنایی که در کاربرد افعال قلوب دومفعولی در معنای رؤیت بصری و دیدن با چشم، و به صورت کاربرد استثنایی افعال قلوب دومفعولی اراده می‌شود؛ یعنی همان کاربردی

که دلالت بر معنای «أخیرنی» (به من خبر ده) می‌کند.

تفاوت این چند معنا در این است که معنای نخست (رؤیت بصری و دیدن با چشم)، معنای حقیقی و اولی این ریشه است و یک مفعول بیش‌تر نمی‌گیرد، و معنای دوم نیز اگرچه یک معنای مجازی است و به دلیل شباهت دانستن با دیدن بصری، استعاره از معنای اول است، ولی همچنان یک فعل یک‌مفعولی است، و معنای سوم دقیقاً با مشخصات معنای دوم با این تفاوت که یک فعل دومفعولی است. معنای چهارم و پنجم از نظر نحوی از افعال قلوب یعنی از افعال دومفعولی خاص است. در این کاربرد اغلب رأی مفید یقین، و به صورت نادر مفید ظن و گمان است (بنگرید به: سامرائی، معانی النحو، ۱۲/۲-۱۳). معنای ششم هم از موارد استثنایی کاربرد افعال دومفعولی قلوب است که در ادامه تبیین خواهد شد. معنای هفتم نیز یک معنای کاملاً مجازی است که در آن معنای رأیت از حالت خبری به معنای انشائی «أخیرنی» تغییر یافته است.

برای این‌که معیار کاربرد هر کدام از معانی هفت‌گانه محتمل برای ساختار رأیت را در مصادیق چهل‌گانه کاربردهای قرآنی بازشناسیم باید امکان حمل یکایک مصادیق چهل‌گانه را بر یکایک معانی هفت‌گانه بیازماییم. یادآوری نکته‌ای در این‌جا لازم است: ضمیر متصل فاعلی تاء و موارد مشابه آن در ساختار رأیت می‌تواند با ضمائر متصل فاعلی دیگر جای‌گزین شود. مثلاً به جای أَرَأَيْتُمْ گفته شود. باین‌حال، در کاربردهای قرآنی تعبیر هیچ‌گاه با تغییر مخاطب این ضمیر در دیگر اشکال مفرد، مثنی، جمع مذکر یا مونث کاربرد نیافته است (فراء، معانی القرآن، ۱/۳۳۳؛ ثعلب، المجالس، ۱/۲۵۹).

کاربردهای ضمیر فاعلی یادشده از این حیث کاملاً برخلاف کاربردهای کاف در آخر

جدول ۱: نمونه‌های کاربرد فعل رأیت در قرآن کریم

ردیف	آیه	تحلیل‌ها
۱	نساء/ ۶۱	رؤیت بصری و دیدن با چشم؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن: سمین، الدر المصون، ۲/ ۳۸؛ درویش، اعراب القرآن، ۲/ ۲۴؛ ابن‌عاشور، التحرير، ۴/ ۱۷۳؛ طباطبایی، المیزان، ۴/ ۴۰۳
۲	محمد/ ۲۰	دیدن با چشم، رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن: سمین، الدر المصون، ۹/ ۲۱۷
۳	انسان/ ۲۰	رؤیت با چشم بصر: سمین، الدر المصون، ۶/ ۴۴۶؛ درویش، اعراب القرآن، ۱۰/ ۲۲۳؛ ابن‌عاشور، التحرير، ۲۹/ ۳۶۸؛ طباطبایی، المیزان، ۲۰/ ۱۳۰
۴	نصر/ ۲	رؤیت بصری و دیدن با چشم: طباطبایی، المیزان، ۲۰/ ۳۷۶؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن: سمین، الدر المصون، ۱۶/ ۵۸۴؛ درویش، اعراب القرآن، ۱۰/ ۶۰۵؛ ابن‌عاشور، التحرير، ۳۰/ ۵۱۸

برخی نمونه‌های قرآنی - مثلاً *أرأيتك يا أرأيتكم* - است. حرف کاف در این ساختارها حرف خطاب است؛ نه ضمیر مخاطب. براین پایه، با توجه به تغییر مخاطب در تغییر است. بیش تر نحویان آن را از ادوات تأکید کلام دانسته‌اند (برای نمونه، بنگرید به: اخفش، *معانی القرآن*، ۱/۲، ۴۸۸، ۴۸۹؛ مبرد، *المقتضب*، ۳/۲۰۹، ۲۱۰، ۴۰/۱، ۳/۲۷۷؛ نحاس، *اعراب القرآن*، ۱/۲، ۶۶، ۴۳۲؛ نیز، بنگرید به: عکبری، *التبيان*، ۱/۴۹۵؛ ابن هشام، *المعنى*، ۲۴۰).

کاف خطاب به اسماء اشاره به دور - مثل *ذاک، ذاکما، ذاکم*، و *ذاکن* - و به ضمایر منفصل - مثل *إیّاک، إیّاکما، إیّاکم*، و *إیّاکن* - و نیز به آرایت به معنای *أخبرنی الحاق* می‌شود. این کاف محلی از اعراب ندارد، فقط نشان‌دهنده نوع مخاطب است (دقر، *معجم النحو*، ۲۷۲)، و به هیچ وجه ضمیر - که معرفه و دارای محلی اعرابی در جمله است - به‌شمار نمی‌آید.

۳-۱) کاربردهای ساختار آرایت در قرآن

موارد ساختار آرایت در قرآن کریم را به صورت زیر می‌توان سامان داد (بنگرید به: عبدالباقی، *المعجم المفهرس*، ۳۵۷ - ۳۵۸):

- ۱) رأیت در ۶ مورد بدون هیچ پیشوند و پسوند به کار رفته است: نساء/ ۶۱؛ انعام/ ۶۸؛ محمد/ ۲۰؛ انسان/ ۲۰ (۲ مورد)؛ نصر/ ۲.
- ۲) رأیت در ۶ مورد با پیشوند همزه استفهام آرایت آمده است: کهف/ ۶۳؛ فرقان/

جدول ۲: نمونه‌های کاربرد فعل آرایت در قرآن کریم

ردیف	آیه	تحلیل‌ها
۱	کهف/ ۶۳	به معنای <i>أخبرنی</i> : سمین، <i>الدر المصون</i> ، ۴/ ۴۷۰؛ درویش، <i>اعراب القرآن</i> ، ۱۵/ ۶۲۹
۲	انعام/ ۶۸	رؤیت بصری و دیدن با چشم: ابن عاشور، <i>التحریر</i> ، ۱۵/ ۱۵؛ سمین، <i>الدر المصون</i> ، ۳/ ۸۷؛ طباطبایی، <i>المیزان</i> ، ۱/ ۱۴۰؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن: درویش، <i>اعراب القرآن</i> ، ۱۳/ ۱۴۳
۳	فرقان/ ۴۳	<i>أخبرنی</i> : سمین، <i>الدر المصون</i> ، ۱۵/ ۲۵۶؛ درویش، <i>اعراب القرآن</i> ، ۱۷/ ۱۸؛ ابن عاشور، <i>التحریر</i> ، ۱۹/ ۵۹؛ طباطبایی، <i>المیزان</i> ، ۱۵/ ۳۲۳
۴	علق/ ۹	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای <i>أخبرنی</i> : سمین، <i>الدر المصون</i> ، ۱۶/ ۵۴۶؛ به معنای <i>أخبرنی</i> : درویش، <i>اعراب القرآن</i> ، <i>أخبرنی</i> ۱۰/ ۵۳۳؛ رؤیت بصری: ابن عاشور، <i>التحریر</i> ، ۳۰/ ۳۹۴؛ به معنای <i>أخبرنی</i> و استفهام تعجبی: طباطبایی، <i>المیزان</i> ، ۲۰/ ۳۲۵
۵	علق/ ۱۱	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای <i>أخبرنی</i> : سمین، <i>الدر المصون</i> ، ۱۶/ ۵۴۶؛ به معنای <i>أخبرنی</i> : درویش، <i>اعراب القرآن</i> ، ۱۰/ ۵۳۳؛ رؤیت بصری: ابن عاشور، <i>التحریر</i> ، ۳۰/ ۳۹۴؛ به معنای <i>أخبرنی</i> و استفهام تعجبی: طباطبایی، <i>المیزان</i> ، ۲۰/ ۳۲۵
۶	علق/ ۱۳	به معنای <i>أخبرنی</i> : درویش، <i>اعراب القرآن</i> ، ۱۰/ ۵۳۳؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای <i>أخبرنی</i> : سمین، <i>الدر المصون</i> ، ۱۶/ ۵۴۶؛ رؤیت بصری و استفهام انکاری: ابن عاشور، <i>التحریر</i> ، ۳۰/ ۳۹۴؛ استفهام تعجبی به معنای <i>أخبرنی</i> : طباطبایی، <i>المیزان</i> ، ۲۰/ ۳۲۵
۷	ماعون/ ۱	رؤیت بصری: ابن عاشور، <i>التحریر</i> ، ۳۰/ ۴۹۶؛ طباطبایی، <i>المیزان</i> ، ۱۶/ ۳۶۸؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای <i>أخبرنی</i> : سمین، <i>الدر المصون</i> ، ۱۶/ ۵۷۴؛ درویش، <i>اعراب القرآن</i> ، ۱۰/ ۵۹۳

- ۴۳؛ علق/ ۹؛ علق/ ۱۱؛ علق/ ۱۳؛ ماعون/ ۱.
 (۳) أَرَأَيْتَ در ۴ مورد: مریم/ ۷۷؛ شعراء/ ۲۰۵؛ جاثیه/ ۲۳؛ نجم/ ۳۳.
 (۴) أَرَأَيْتُمْ در ۷ مورد: نجم/ ۱۹؛ واقعه/ ۵۸، ۶۳، ۶۸، ۷۱؛ شعراء، ۷۵؛ زمر، ۳۸.
 (۵) أَرَأَيْتَكَ در ۱ مورد: اسراء، ۶۳.
 (۶) أَرَأَيْتَكُمْ در ۲ مورد: انعام/ ۴۰؛ انعام/ ۴۷.
 (۷) أَرَأَيْتُمْ در ۱۴ مورد: انعام/ ۴۶؛ یونس/ ۵۰، ۵۹؛ هود/ ۲۸، ۶۳، ۸۸؛ قصص/ ۷۱، ۷۲؛ فاطر/ ۴۰؛ فصلت/ ۵۲؛ احقاف/ ۴، ۱۰؛ مَلِك/ ۲۸، ۳۰.

نتیجه تحلیل‌ها از معنای این کاربردهای چهل‌گانه در جداول ۱-۴ بازتابیده است.

۲. کاربردهای مختلف ساختار

پیچیدگی ساختار آرایت و فروع آن نتیجه برخورداری این ساختار از مؤلفه‌هایی است که بیش‌تر آن‌ها محل اختلاف ادیبان و مفسران است. براین‌پایه، برای تعیین معنای دقیق ساختار آرایت ناگزیر از تحلیل تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های آن هستیم؛ خاصه در مواردی که در قیاس با دیگر نمونه‌ها حروفی افزون‌تر دارند و معنای‌شان دچار تفاوت‌هایی شده است.

۲-۱) در معنای رؤیت بصری

گاه مفعول فعل رأیت چیزی قابل رؤیت با چشم است. مفسران کاربرد ماده در برخی آیات را حمل بر این معنا کرده، و در مواردی نیز آن را هم‌چون یکی از احتمالات معنای آیه برشمرده‌اند. برای نمونه، رأیت در آیه:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ
 صُدُّوْا (نساء/ ۶۱)

به لحاظ این‌که معنای صُدود در اینجا اعراض و روی‌گردانی است (طباطبایی، *المیزان*، ۴/ ۴۰۳؛ ابن‌فارس، *مقاییس اللغه*، ۳/ ۲۸۲)، در صورتی که مقصود روی‌گردانی ظاهری و بدنی باشد، معنای رؤیت بصری و دیدن با چشم مناسب است؛ ولی اگر روی‌گردانی قلبی و ایمانی منظور باشد، چنان‌که ابن‌عاشور و طباطبایی به سود آن استدلال کرده‌اند (ابن‌عاشور، *التفسیر*، ۴/ ۱۷۳؛ طباطبایی، *المیزان*، ۴/ ۴۰۳)، معنای رأیت نیز رؤیت قلبی و به معنای دانستن و از افعال قلبی دومفعولی خواهد بود (بنگرید به: جدول ۱، ردیف ۱).

در آیه:

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (نصر/ ۲)

رایت قطعاً به معنای آخرینی نیست و در این‌که به معنای دیدن با چشم است، هیچ تردیدی نمی‌توان کرد. با این حال، معمولاً رأیت را به معنای رؤیت قلبی و از افعال دومفعولی و به معنای دانستن گرفته‌اند؛ به جز طباطبایی که چنین احتمالی را ذکر نکرده است؛ با این استدلال که ظهور آیه در رؤیت با چشم است و دیدن مردم مراد است (بنگرید به: جدول ۱، ردیف ۴).

بدین ترتیب، می‌بینیم در مورد آیه ۲۰ سوره انسان (جدول ۱، ردیف ۳) کاربرد ساختار

جدول ۳: نمونه‌های کاربرد فعل آرایتم در قرآن کریم

ردیف	آیه	تحلیل‌ها
۱	قصص/ ۷۱	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن: ابن‌عاشور، التحریر، ۹۹/۲؛ و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۳۵۲/۵؛ استفهام تقریری: درویش، اعراب القرآن، ۳۶۷/۱۷؛
۲	قصص/ ۷۲	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و استفهام تقریری: درویش، اعراب القرآن، ۳۶۸/۱۷
۳	انعام/ ۴۶	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن، و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۶۶/۳؛ استفهام تقریری: درویش، اعراب القرآن، ۱۱۶/۳؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن بدون تضمین معنای آخرینی: ابن‌عاشور، التحریر، ۱۰۳/۱۶
۴	انعام/ ۴۷	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۶۷/۱۳؛ به معنای آخرینی: درویش، اعراب القرآن؟ ۱۱۷/۳؛ استفهام توییحی: ابن‌عاشور، التحریر، ۱۰۶/۱۶
۵	یونس/ ۵۰	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۴/۴؛ درویش، اعراب القرآن، ۲۵۷/۴؛ ابن‌عاشور، التحریر، ۱۰۱/۱۱؛ طباطبایی، المیزان، ۷۴/۱۰
۶	یونس/ ۵۹	به معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۶۴/۴؛ ابن‌عاشور، التحریر، ۱۱۶/۱۱؛ طباطبایی، المیزان، ۸۴/۱۰؛ استفهام تقریری: درویش، اعراب القرآن، ۲۶۵/۴؛ به معنا
۷	هود/ ۲۸	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۹۴/۴؛ به معنای آخرینی: درویش، اعراب القرآن، ۳۳۸/۴؛ طباطبایی، المیزان، ۲۰۶/۱۰؛ استفهام تقریری: ابن‌عاشور، التحریر، ۲۴۳/۱۱
۸	هود/ ۶۳	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۱۰۹/۴؛ به معنای آخرینی: درویش، اعراب القرآن، ۳۸۹/۴؛ طباطبایی، المیزان، ۳۱۲/۱۰؛ استفهام تقریری: ابن‌عاشور، التحریر، ۲۹۰/۱۱
۹	هود/ ۸۸	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۱۲۳/۴؛ درویش، اعراب القرآن، ۴۱۷/۴؛ به معنای آخرینی: طباطبایی، المیزان، ۳۶۷/۱۰؛ استفهام تقریری: ابن‌عاشور، التحریر، ۳۱۴/۱۱
۱۰	فاطر/ ۴۰	به معنای آخرینی: ابن‌عاشور، التحریر، ۱۷۵/۲۲؛ رؤیت بصری و دیدن با چشم - استفهام حقیقی، رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای آخرینی - استفهام غیر حقیقی: سمین، الدر المصون، ۴۷۱/۵؛ استفهام غیر حقیقی: درویش، اعراب القرآن، ۱۶۴/۸
۱۱	زمر/ ۳۸	فعل دومفعولی به معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۱۸/۱۶؛ درویش، اعراب القرآن، ۴۲۳/۸؛ طباطبایی، المیزان، ۱۱۷/۲۶۶؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب به معنای گمان کردن - استفهام انکاری: ابن‌عاشور، التحریر، ۹۳/۲۴
۱۲	فصلت/ ۵۲	به معنای آخرینی: ابن‌عاشور، التحریر، ۸۹/۲۵؛ طباطبایی، المیزان، ۴۰۳/۱۷؛ استفهام تعجیبی: درویش، اعراب القرآن، ۸/۹؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۷۱/۱۶
۱۳	احقاف/ ۴	آخرینی: سمین، الدر المصون، ۱۳۴/۱۶؛ طباطبایی، المیزان، ۱۸۶/۱۸؛ استفهام توییحی: درویش، اعراب القرآن، ۱۶۶/۹؛ استفهام تقریری: ابن‌عاشور، التحریر، ۸/۲۶
۱۴	احقاف/ ۱۰	به معنای آخرینی: سمین، الدر المصون، ۱۳۶/۱۶؛ درویش، اعراب القرآن، ۱۷۱/۹؛ طباطبایی، المیزان، ۱۹۴/۱۸؛ استفهام تقریری برای توییح: ابن‌عاشور، التحریر، ۱۶/۲۶
۱۵	ملک/ ۲۸	به معنای آخرینی: طباطبایی، المیزان، ۳۶۵/۱۹؛ استفهام انکاری: درویش، اعراب القرآن، ۱۶۱/۱۰؛ به معنای رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و استفهام انکاری: ابن‌عاشور، التحریر، ۴۹/۲۹
۱۶	ملک/ ۳۰	به معنای آخرینی: درویش، اعراب القرآن، ۱۶۱/۱۰؛ طباطبایی، المیزان، ۳۶۵/۱۹

رأیت بدون کاف خطاب و همزه استفهام را همه به دیدن با چشم معنا کرده‌اند. در آیه ۲ سوره محمد (ص) نیز دلیل عدم اظهار نظر بیشتر مفسران (بنگرید به: جدول ۱، ردیف ۲) روشن بودن معناست که همان دیدن با چشم است. به نظر می‌رسد دیدگاه درویش در این باره که احتمال دوم را فعل قلبی به معنای دانستن برشمرده (همان‌جا) کاملاً اشتباه است. بر همین اساس، هیچ مفسری رأیت بدون کاف خطاب و همزه استفهام را به معنای آخرینی نگرفته است.

۲-۲) در معنای دانستن به صورت یک مفعولی

فعل رأیت به صورت یک مفعولی در موردی کاربرد دارد که از سوی مفعول فعل قابل‌رؤیت با چشم نباشد و از سوی دیگر جمله با یک مفعول معنا را کاملاً برساند؛ بر خلاف افعال دومفعولی که ناگزیر ایم برای دلالت کامل جمله دو مفعول را در نظر بگیریم؛ خواه این افعال دومفعولی از جنس افعال قلوب باشند یا غیر آن. برای نمونه، در آیه:

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ، أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ، فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ

(شعراء/ ۷۵-۷۷)

درویش (*اعراب القرآن*، ۸۶/۷) گفته است که أَفَرَأَيْتُمْ به معنای تَأَمَّل است؛ یعنی «آیا توجه و تأمل نکردید و در نیافتید؟». با توجه به این‌که آیه در دلالت خود تام است و نیاز به تقدیر گرفتن هیچ عبارتی نیست این معنا می‌تواند موجه باشد.

باین‌حال، دیگر مفسران برای هماهنگ‌سازی این کاربرد با ساختار غالب آرایت و فروع آن در *قرآن* که غالباً با جمله استفهامیه هم‌راه است، جمله استفهام را در تقدیر گرفته، و عبارت را به معنای «به من خبر دهید» یا «آیا هیچ توجه نکرده‌اید که...» یا عبارتی متضمن همین معنای تفسیر کرده‌اند. برخی نیز هم‌چون طباطبایی آن را به معنای رؤیت بصری گرفته‌اند که باز احتمال موجهی است؛ زیرا بت‌ها گرچه معبود پدران مشرکان و بازمانده از اعصار پیشین بوده‌اند، معمولاً پیش چشم مشرکان زمان صدور آیه قرار داشته و قابل‌رؤیت بوده‌اند (بنگرید به: جدول ۴، ردیف ۱۰).

نیز، در آیه:

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ (ماعون/ ۱).

برخی آرایت را به معنای آخرینی، یا به معنای رؤیت قلبی به نحوی که متضمن معنای آخرینی

باشد گرفته، و رؤیت بصری و دیدن با چشم را هم چون احتمالی ضعیف و مرجوح برشمرده‌اند. باین حال، اگر بر اساس واقعیت جمله و بدون تقدیر چیزی بخواهیم گزاره را معنا کنیم، رؤیت بصری یا شناخت قلبی (کاربرد رأی به صورت تک‌مفعولی) بهترین معنای محتمل برای رأیت در این آیه خواهد بود؛ زیرا مفعول و مکذبان افرادی در معرض دید پیامبر (ص) بوده‌اند (بنگرید به: جدول ۲، ردیف ۷).

وانگهی، اگر مراد اشخاص مکذّب نباشد، بل که مکذبان از جهت تکذیب‌شان مراد باشند، بهترین معنای محتمل برای رأیت آن است که دلالت بر شناخت آنان و آگاهی از آنان بکند؛ یعنی همان کاربرد ریشه رأی که نیاز به مفعول دوم ندارد؛ زیرا در این جا مسئله‌ای دیگر مطرح نیست که بخواهیم در مورد آن یقین یا گمان داشته باشیم و نیاز به مفعول دومی از جنس افعال قلوب یا غیر آن در معنای اُخیرنی باشد.

۳-۲) در معنای دانستن به صورت دومفعولی

کاربرد مشتقات رأی به صورت دومفعولی در معنایی غیر از افعال قلوب را ممکن دانسته‌اند. باین حال، در عمل به‌جز کاربردش برای اشاره به دیدن رؤیا نمونه دیگری برای آن به‌ندرت یافته‌اند (بنگرید به: پاپتی، *المعجم*، ۱/ ۲۹۵). در کاربردهای قرآنی هم هیچ مفسری در هیچ یک از موارد چهل‌گانه مورد بحث، حتی احتمال آن را ذکر نکرده است.

کاربرد مشتقات رأیت در معنای دانستن هم چون افعال قلوب فراوان دیده می‌شود و بر معنای باور داشتن و اعتقاد و یقین و علم، و در مواردی نیز بر معنای ظن و گمان داشتن به چیزی دلالت می‌کند (حسن، *النحو الوافی*، ۲/ ۱۳). از بین تمام معانی، بیش‌ترین معنایی که مفسران برای ساختار رأیت ذکر کرده‌اند همین معناست (بنگرید به: جدول ۲). کاربرد آن هم چون افعال قلوب دومفعولی به معنای ظن و گمان داشتن را تنها یکی از مفسران و تنها در یک مورد (زمر/ ۳۸) محتمل انگاشته است (بنگرید به: جدول ۳، ردیف ۱۱). اگر دقت کنیم کاربرد رأیت در همان آیه هم حتی اگر دلالت بر ظن کند، این ظن از نظر مشرکان مخاطب آیه یقینی بوده است.

اگر از این موارد بگذریم، کاربرد رأیت و هم‌خانواده‌های آن غالباً هم چون افعال قلوب، و برای دلالت بر معنای دانستن و یقین کردن تلقی شده است. از میان این کاربردها:

مفسران برخی را به معنای رؤیت قلبی، و از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن گرفته، و البته آن را متضمن معنای اُخْبِرْنِی ندانسته‌اند.

در موارد بیش‌تری، مفسران این تعبیر را به معنای رؤیت قلبی گرفته، و آن را از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن انگاشته‌اند؛ اما تأکید کرده‌اند که در این کاربردها رأیت و مشابه‌های آن متضمن معنای اُخْبِرْنِی اند.

در موارد فراوان‌تری نیز، مفسران رأیت و مشابه‌های آن را صرفاً به معنای اُخْبِرْنِی گرفته‌اند؛ بدون آن‌که بگویند آیات بر معنای رؤیت قلبی دلالت می‌کند یا نه؛ و بدون این‌که بگویند آیا معنای آن از جنس معنای افعال قلوب است یا نه.

جدول ۴: نمونه‌های کاربرد دیگر ساختارهای مرتبط با بحث از ریشه رأی در قرآن کریم

ردیف	ساختار	آیه	تحلیل‌ها
۱	أَفْرَأَيْتُمْ	شعراء/ ۲۰۵ / ۵ / المصون، ۲۸۹ / ۵؛ استفهام تقریری: درویش، اعراب القرآن، ۱۴ / ۱۷؛ از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن: ابن عاشور، التحرير، ۲۰۰ / ۱۹	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۲۸۹ / ۵؛ استفهام تقریری: درویش، اعراب القرآن، ۱۴ / ۱۷؛ از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن: ابن عاشور، التحرير، ۲۰۰ / ۱۹
۲	أَفْرَأَيْتُمْ	مریم / ۷۷ / ۷۸	اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۵۲۲ / ۱۴؛ استفهام تعجبی: درویش، اعراب القرآن، ۱۶ / ۱۴۸؛ ابن عاشور، التحرير، ۷۶ / ۱۶؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴ / ۱۰۳
۳	أَفْرَأَيْتُمْ	جاثیه / ۲۳	اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۱۲۰ / ۱۶؛ درویش، اعراب القرآن، ۱۹ / ۱۵۴؛ استفهام تعجبی: ابن عاشور، التحرير، ۲۵ / ۳۷۴؛ طباطبایی، المیزان، ۱۸ / ۱۷۲
۴	أَفْرَأَيْتُمْ	نجم / ۱۹، ۲۱	به معنای اُخْبِرْنِی: طباطبایی، المیزان، ۱۹ / ۳۸؛ به معنای دیدن با چشم، رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن، استفهام انکاری: درویش، اعراب القرآن، ۱۹ / ۲۵۳؛ ابن عاشور، التحرير، ۲۷ / ۱۰۸
۵	أَفْرَأَيْتُمْ	واقعه / ۵۸، ۵۹	به معنای اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۲۶۳ / ۱۶؛ استفهام انکاری: درویش، اعراب القرآن، ۱۹ / ۴۴۱؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای اُخْبِرْنِی، استفهام تعجبی: ابن عاشور، التحرير، ۲۷ / ۲۸۷
۶	أَفْرَأَيْتُمْ	واقعه / ۶۳، ۶۴	به معنای اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۲۶۴ / ۱۶؛ درویش، اعراب القرآن، ۱۹ / ۴۴۲؛ رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای اُخْبِرْنِی، استفهام تعجبی: ابن عاشور، التحرير، ۲۷ / ۲۹۳
۷	أَفْرَأَيْتُمْ	واقعه / ۶۸، ۶۹	به معنای اُخْبِرْنِی: درویش، اعراب القرآن، ۱۹ / ۴۴۲؛ رؤیت بصری و دیدن با چشم: ابن عاشور، التحرير، ۲۷ / ۲۹۵
۸	أَفْرَأَيْتُمْ	واقعه / ۷۱، ۷۲	به معنای اُخْبِرْنِی: درویش، اعراب القرآن، ۱۹ / ۴۴۲
۹	أَفْرَأَيْتُمْ	نجم / ۳۳، ۳۵	به معنای اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۲۱۲ / ۱۶؛ طباطبایی، المیزان، ۱۹ / ۴۳؛ استفهام انکاری: درویش، اعراب القرآن، ۱۹ / ۳۶۵؛ استفهام تعجبی: ابن عاشور، التحرير، ۲۷ / ۱۲۹
۱۰	أَفْرَأَيْتُمْ	شعراء / ۷۵ / ۷۷	مترادف فعل یکمفعولی اُخْبِرْنِی، متضمن معنای تأمل کردن: ابن عاشور، التحرير، ۱۹ / ۱۵۱؛ رؤیت بصری: طباطبایی، المیزان، ۱۵ / ۲۸۳؛ نیز استفهام انکاری متضمن معنای استهزاء: درویش، اعراب القرآن، ۱۷ / ۸۶-۸۷؛
۱۱	أَرَأَيْتَكَ	اسراء / ۶۲	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۴۰۳ / ۴؛ به معنای اُخْبِرْنِی: درویش، اعراب القرآن، ۱۵ / ۴۶۷؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳ / ۱۴۴؛ استفهام انکاری: ابن عاشور، التحرير، ۱۴ / ۱۲۰
۱۲	أَرَأَيْتَكُمْ	انعام / ۴۰	رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن و متضمن معنای اُخْبِرْنِی: سمین، الدر المصون، ۳ / ۵۵؛ استفهام تعجبی: درویش، اعراب القرآن، ۳ / ۱۰۸؛ استفهام تقریری: ابن عاشور، التحرير، ۱۶ / ۹؛ به معنای استفهام بدون مشخص کردن نوع: طباطبایی، المیزان، ۱۷ / ۸۵

در کوشش برای تحلیل این کاربردها باید در اینجا به سه پرسش پاسخ داده شود: اولاً، آیا صحیح است که آرایت و مشابه‌های آن از افعال قلوب دومفعولی به معنای دانستن انگاشته، و بر معنای رؤیت قلبی حمل شوند؛ ثانیاً، هرگاه چنین فرضی صحیح باشد، آیا الزاماً آرایت و مشابه‌های آن متضمن معنای اُخْبِرْنِی خواهند بود؟ ثالثاً، آیا می‌توان این احتمال را نیز پذیرفت که آرایت و مشابه‌های آن لزوماً متضمن معنای افعال قلوب نباشند؛ ولی بر معنای اُخْبِرْنِی دلالت کنند؟

در مقام پاسخ به این پرسش‌ها، نخست باید به یاد آورد که دلالت آرایت و موارد مشابه آن بر معنای اُخْبِرْنِی از نگاه مفسران و ادیبان مختلف امری مسلم شناخته شده است (بنگرید به: زجاج، *معانی القرآن*، ۳/ ۲۴۹؛ رضی‌الدین استرآبادی، *الشرح علی الکافیة*، ۲/ ۲۸۲؛ فیروزآبادی، *القاموس المحیط*، ۱۶۵۹). براین‌پایه، بعید به نظر می‌رسد کسانی که صرفاً معنای رؤیت قلبی را برای ساختار آرایت ذکر کرده و این افعال را از قبیل افعال قلوب دومفعولی شناسانده‌اند، صرفاً معنای رؤیت قلبی را بدون تضمین معنای اُخْبِرْنِی در نظر داشته باشند. پس مواردی را نیز که مفسران اشاره نکرده‌اند که متضمن معنای اُخْبِرْنِی است باید بر رؤیت قلبی حمل کرد، از جنس افعال قلوب دانست، و متضمن معنای اُخْبِرْنِی انگاشت.

بعضی از نحویان بر آن اند که آرایت به معنای اِنْتَبَهْ (ابوعلی فارسی، *المسائل الحلیات*، ۷۶، ۷۷) یا به معنای اَمَّا يَا تَنْبَهْ (ابوحیان، *البحر المحیط*، ۴/ ۱۲۶؛ سمین، *الدر المصون*، ۴/ ۶۲۳) دلالت دارد. قطعاً مقصودشان این نیست که آرایت به معنای اَمَّا يَا تَنْبَهْ از معنای اُخْبِرْنِی خارج شده است و دیگر آن معنا را نمی‌رساند (سمین، *الدر المصون*، ۴/ ۶۲۳؛ فارسی، *المسائل الحلیات*، ۷۷-۷۸؛ زمخشری، *الکشاف*، ۲/ ۳۹۶). مرادشان این است که آرایت و موارد مشابه آن مؤلفه معنایی دیگری نیز دارند؛ مؤلفه‌ای که دلالت بر استینافی بودن سخن می‌کند؛ هم‌چنان‌که مثلاً حرف اَلَا نیز بر استفتاح هم‌راه با تنبیه و توجه دادن دلالت دارد. این دلالت منافاتی با دلالت بر معنای اُخْبِرْنِی ندارد.

۳. مرور کاربردهای دومفعولی

اکنون لازم است نمونه‌هایی از کاربردهای قرآنی آرایت و ساختارهای مشابه آن را مرور کنیم که کامل شدن معنای‌شان نیازمند داشتن دو مفعول بوده است.

۱-۳) با تضمین معنای اُخْبِرْنِی

در مورد استعمال آرایت در معنای اُخْبِرْنِی و به نحو دومفعولی دو احتمال مطرح است. یک احتمال این است که همان معنای رؤیت قلبی را افاده کند که از افعال قلوب دومفعولی اراده می‌شود. چنان‌که در جداول ۲-۴ مشاهده می‌شود، عموم مفسران آرایت و مشابه‌های آن را در مواردی به اُخْبِرْنِی معنا کرده، آن را از افعال قلوب دومفعولی گرفته، و معنای رؤیت قلبی را در آن لحاظ نموده‌اند. به طبع برپایه این دیدگاه، کاربرد آرایت برای دلالت بر معنای اُخْبِرْنِی از باب تضمین خواهد بود (سمین، الدر المصون، ۴/۱۱۰). به بیان دیگر، اگر نظر نخست پذیرفته شود به آن معناست که به اصطلاح تضمین روی داده است. در این صورت در معنا و تفسیر ساختار آرایت هر دو معنای خبر و رؤیت قلبی را باید در نظر داشت، چنان‌که مفهوم تضمین همین است (سیوطی، الاشباه والنظائر، ۱/۱۰۶؛ حسن، النحو الوافی، ۲/۵۲۲).

احتمال دیگر آن است که آرایت و هم‌خانواده‌هایش معنای رؤیت قلبی بدهد؛ اما بکلی منسلخ از افعال قلوب باشد. در این فرض هم شاید استدلال شود که آرایت و هم‌خانواده‌هایش متضمن معنای اُخْبِرْنِی خواهند بود. در مقام استدلال بر این مدعا می‌توان چنین گفت که اصل عدم نقل از معنای اصلی و اصالت ظهور تضمین را اقتضا می‌کند. بنابراین باید برای ساختار آرایت معنای دیدن یا دانستن را همراه با اُخْبِرْنِی در نظر گرفت. باین حال، باید توجه داشت که توجه به قرائن صارفه و مُعَيَّنَه مقدم بر اِعْمالِ اَصَالَتِ ظهور است. به بیان دیگر، لازم است که در یکایک موارد استعمال ساختار آرایت دقت کنیم و بعد از جستجوی قرائن به کاربرد تضمینی یا منسلخ از تضمین آن حکم کنیم.

پرسش دیگری نیز در این جا مطرح است: اساساً آیا در ساختار آرایت به معنای اُخْبِرْنِی می‌توان معنای رؤیت بصری و دیدن با چشم را در نظر داشت، یا ساختار آرایت بکلی منسلخ از آن است و هرگز نمی‌توان معنای رؤیت بصری و دیدن با چشم را در آن لحاظ کرد؛ بل که اگر سخن از در نظر داشتن معنای اولی از معانی رأی هم باشد، مطابق بحث در پرسش پیشین، معنای رؤیت قلبی از افعال قلوب را باید در معنای اُخْبِرْنِی تضمین کنیم؟ برخی از نحویان بر آن اند که در مواردی باید آرایت را همراه با تضمین و لحاظ معنای رؤیت بصری و دیدن با چشم باید به اُخْبِرْنِی معنا کرد (رضی‌الدین استرآبادی، الشرح علی الکافی، ۲/۲۸۲).

۲-۳) برآیند آراء

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت که از دو حال خارج نیست؛ یا ساختار رأیت به معنای أَخْبِرْنِي برگرفته از معنای حقیقی ریشه به معنای رؤیت بصری یا همان معنای افعال یک‌مفعولی عَرَفَ و عَلِمَ است، چنان‌که رضی‌الدین استرآبادی تصریح می‌کند؛ یا برگرفته از ریشه فعل دوم‌مفعولی رأی از افعال قلوب، و به معنای «آیا دانستی و یقین کردی؟» است (بنگرید به: صبان، الحاشیه، ۱/ ۲۰۴).

اگر پذیرفته شود که أَخْبِرْنِي متضمن معنای رؤیت بصری است، باز، باید به این توجه داشت که در این صورت اساساً دیگر رأیت یک فعل یک‌مفعولی خواهد بود و دیگر نیازی به پیدا کردن یا تقدیر مفعول دوم نخواهیم بود. غالب مفسران که رؤیت را در مشابه‌های رأیت بر رؤیت قلبی حمل کرده‌اند چاره‌ای جز این پیش روی خود ندیده‌اند که رأیت و مشابه‌هایش را در این معنا از قبیل افعال قلوب بینگارند. این‌گونه، در آثار تفسیری و نحوی بحث‌های مفصلی درباره تحلیل ساختار رأیت و این‌که مفعول دوم آن چه می‌تواند باشد روی داده است.

به نظر می‌رسد می‌توان راه‌حل ساده‌تری برای این مسئله جست: کافی است بر این معنا استدلال شود که ساختار رأیت می‌تواند هم‌چون فعلی یک‌مفعولی در معنای رؤیت بصری و دیدن با چشم یا در معنای رؤیت علمی و به معنای دانستن، شناختن، و تأمل کردن به‌کار برود و در عین حال، متضمن معنای أَخْبِرْنِي نیز باشد. هرگاه چنین شود معنایی شفاف و فاقد هر گونه پیچیدگی برای ساختار رأیت شناخته خواهد شد.

اگر بتوان استدلال قانع‌کننده‌ای بر این معنا یافت، در موارد نبود مفعول دوم برای رأیت اساساً نیازی نخواهد بود که مفعول دومی در تقدیر گرفته شود. اگر نیز عناصری در جمله بعد رأیت و مشابه‌های آن بودند که می‌شد آن‌ها را مفعول دوم گرفت باز هم نیاز نخواهد بود آن‌ها را مفعول دوم بینگاریم؛ زیرا معمولاً این موارد پذیرای اعراب حال یا جمله‌حالیه برای فعل رأی می‌توانند باشند.

در آثار سمین و درویش و ابن‌عاشور و طباطبایی، به نظر می‌رسد در مواردی که فقط معنای أَخْبِرْنِي را برای ساختار رأیت ذکر کرده‌اند و سخنی از تضمین معنای رؤیت قلبی از افعال دوم‌مفعولی قلوب نگفته‌اند همان نکته مورد نظر رضی‌الدین استرآبادی را در نظر داشته‌اند که

اساساً نیازی به این نیست که آرایت و مشابه‌های آن از قبیل افعال دومفعولی انگاشته شوند. اکنون پس از مقدمات یادشده در استدلال بر این معنا می‌گوییم که ساختار آرایت در معنای اُخْبِرْنِي نیاز به مفعول دوم دارد. مفعول دوم در این ساختار نیز گاه قسم، و اغلب جمله استفهامی است (بنگرید به: سمین، الدر المصون، ۳/ ۵۹، ۴/ ۱۲۳، ۴/ ۴۷۰).

۳-۳) کاربرد با همزه و بدون کاف خطاب

برخی از نحویان تلاش کرده‌اند بین معنای آرایت با همزه و بدون آن فرق بگذارند و آرایت بدون همزه را به معنای دیدن، و همراه با همزه را به معنای «به من خبر ده» حمل و معنا کنند (فراء، معانی القرآن، ۱/ ۳۳۳). این نظر با مخالفت دیگر نحویان و عالمان لغت و مفسران مواجه شده است. این عالمان بر این تأکید نموده‌اند که آرایت و مشابه‌های آن در برخی موارد بدون همزه نیز به معنای «به من خبر بده» استعمال شده‌اند (ثعلب، المجالس، ۱/ ۲۶۰؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۱۵/ ۳۲۱).

نگاهی گذرا به جدول ۴ از نظر مفسران پرده برمی‌دارد که در موارد مختلف به اتفاق معنای اُخْبِرْنِي را برای ساختار آرایتک (یعنی آرایت با همزه و با کاف خطاب) در نظر گرفته‌اند. در یک مورد سخن ابن‌عاشور در این زمینه شاخص است که می‌گوید: شدت توبیخ در اُرَائِيْتُكُمْ همراه با کاف خطاب بیش‌تر از اُرَائِيْتُمْ بدون کاف است (ابن‌عاشور، التفسیر، ۶/ ۱۰۶). این سخن او بر اساس قاعده «زِيَادَةُ الْمَبْنِيِّ تَدُلُّ عَلَى زِيَادَةِ الْمَعْنَى» پذیرفتنی است.

در خصوص معنای همزه استفهام در ساختار آرایت هم باید گفت که استفهام حقیقی در مواردی کاربرد دارد که گوینده از حقیقت مطلب آگاه نباشد و بخواهد با پرسش از کس دیگر به آن پی ببرد. در غالب کاربردهای قرآنی ساختار آرایت، گوینده آرایت خداوند است. به طبع مراد از استفهام در مورد خدا پرسش حقیقی برای طلب فهم نمی‌تواند باشد. باین حال، این‌که کدام معنای مجازی در این جا مراد است جای بحث دارد. برخی تصریح کرده‌اند که در این جا تعجب اراده شده است (ابوحیان، البحر المحیط، ۴/ ۱۲۴).

باین حال، واقعیت این است که نمی‌توان معنای مجازی استفهام را در اینجا منحصر به تعجب کرد. با توجه قرائن موجود در هر متنی باید در جستجوی معنای مجازی مناسب همان بود. چنین معنایی در هر مورد متفاوت است. در چهار اثر موضوع بحث ما برای همزه استفهام

در ساختار رأیت معانی متفاوتی مشخص شده است: استفهام به معنای تعجب، استفهام تقریری، استفهام توبیخی، استفهام انکاری، استفهام انکاری متضمن معنای استهزاء، استفهام تقریری برای توبیخ....

تنها مورد چالش‌زا در این زمینه این آیه است:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا... (فاطر / ۴۰)

سمین حلبی می‌گوید اگر ساختار رأیت در این آیه بر رؤیت بصری و دیدن با چشم دلالت کند، می‌توان معنای استفهام را استفهام حقیقی برشمرد. درویش چنین احتمالی را مرجوح می‌داند (بنگرید به: جدول ۳، ردیف ۱۰). در هر حال، با توجه معنای آیه می‌توان دریافت که استفهام در این آیه یک استفهام تقریری با هدف جلب توجه فطرت مشرکان است.

نتیجه

بر پایه آن‌چه گفته شد می‌توان دریافت که کاربردهای ساختار رأیت بدون همزه استفهام و کاف خطاب در هیچ یک از نمونه‌های آن در قرآن به معنای اُخْبِرْنِي نیست؛ چنان‌که البته هیچ مفسری نیز آن را بر این معنا حمل نکرده است. ساختار رأیت به صورت یک مفعولی در معنای دانستن، شناختن و تأمل کردن را تنها یک محیی‌الدین درویش و در بحث از یک آیه هم‌چون احتمال ذکر کرده، که البته آن نیز بر پایه دلالتی که ذکر شد ناموجه است. کاربرد ساختار رأیت به صورت دومفعولی معمولی بدون آن‌که از افعال قلوب باشد و در معنای دانستن هم در قرآن مصداق ندارد.

کاربرد ساختار رأیت در معنای دانستن و یقین کردن یا به معنای ظن و گمان کردن از افعال قلوب دومفعولی بدون تضمین معنای اُخْبِرْنِي اگرچه در مواردی از سوی مفسران ذکر شده است، لیکن بعید به نظر می‌رسد کسانی که صرفاً معنای رؤیت قلبی از افعال قلوب دومفعولی را برای ساختار رأیت ذکر کرده‌اند، صرفاً معنای رؤیت قلبی از افعال قلوب بدون تضمین معنای اُخْبِرْنِي را در نظر داشته باشند. بنابراین موارد خالی از تضمین معنای اُخْبِرْنِي را باید بر رؤیت قلبی حمل کرد و از قبیل افعال قلوب و متضمن معنای اُخْبِرْنِي باید انگاشت؛ چنان‌که سمین حلبی در الدر المصون بر این معنا تأکید نموده است.

دلالت ساختار رأیت هم‌چون فعلی از افعال قلوب دومفعولی که متضمن معنای اُخْبِرْنِي

هم باشد کاربرد غالب این ساختار است. با این حال، از آن‌جاکه توجه به قرائن صارفه و معینه مقدم بر اعمال اصالت ظهور است، باید در یکایک موارد استعمال ساختار آرایت دقت کنیم و بعد از جستجوی قرائن به کاربرد تضمینی یا منسلخ از آن در ساختار آرایت حکم نماییم.

تضمین معنای رؤیت بصری و دیدن با چشم در معنای اُخْبِرْنِی و نیاز ساختار آرایت به معنای اُخْبِرْنِی به دو مفعول دیدگاه راجح ساختار آرایت است و مفعول دوم در این ساختار — بسته به مورد — اغلب جمله استفهامی، و گاه نیز جمله قَسَم است. در موارد نبود مفعول دوم اساساً نیازی به تقدیر آن نداریم. اگر تتمه‌ای در جمله وجود داشت حال یا جمله حالیه برای فعل رَأَى در نظر می‌گیریم.

نکته آخر هم این‌که ساختار آرایتک با همزه و بدون کاف خطاب نیز مانند ساختار آرایتک هم‌راه با کاف خطاب به معنای اُخْبِرْنِی دلالت می‌کند؛ با این تفاوت که تأکید در ساختار آرایتک همراه با کاف خطاب بیش‌تر است. همزه استفهام نیز در ساختار آرایت صرفاً استفهام تعجبی نیست؛ بل‌که بسته به مورد ممکن است استفهام استفهام تقریری، توبیخی، انکاری، استهزائی و جز آن را شامل شود.

منابع

- ١- قرآن كريم.
- ٢- ابن عاشور، محمد طاهر، *التفسير*، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، ١٤٢٠ق.
- ٣- ابن فارس، احمد، *مقاييس اللغة*، به كوشش زهير عبدالمحسن سلطان، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٤ق.
- ٤- ابن هشام، عبدالله بن يوسف، *المغنى*، به كوشش مازن مبارك و محمد على حمدالله، بيروت، دارالفكر، ١٣٩٩ق.
- ٥- ابوحيان، محمد بن يوسف، *البحر المحيط*، بيروت، دارالفكر، ١٤٢٠ق.
- ٦- ابوعلی فارسی، حسين بن احمد، *المسائل الحلييات*، به كوشش حسن هنداوای، دمشق، دارالقلم، ١٩٨٧م.
- ٧- اخفش، سعيد بن مسعده، *معانى القرآن*، به كوشش عبدالأمير محمد امين الورد، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٥ق.
- ٨- باسم، محمد حسين، «آرييت فى القرآن الكريم بين الدلالة النحوية و السياق القرآنى»، *مجلة كلية الآداب*، شماره ١١٣، ١٤٣٦ق.
- ٩- پايتى، عزيزه فوال، *المعجم المفصل فى النحو*، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ١٠- ثعلب، احمد بن يحيى، *المجالس*، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، دارالمعارف، ١٣٦٨ق.
- ١١- حسن، عباس، *النحو الوافى*، تهران، ناصر خسرو، ١٣٦٧ش.
- ١٢- دائل، عبدالله بن حمد، «آرييت و فروعها: دراسة لغويه»، *جامعة أم القرى*، شماره ٢٣، شوال ١٤٢٢ق.
- ١٣- درويش، محيى الدين، *اعراب القرآن الكريم وبيانه*، حمص، مكتبة الارشاد، ١٤١٥ق.
- ١٤- دقر، عبدالغنى، *معجم النحو*، دمشق، چاپخانه محمد هاشم كتيبى.
- ١٥- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، *المفردات فى غريب القرآن*، به كوشش محمد سيّد كيلانى، بيروت، دارالمعرفه.
- ١٦- رضی الدين استرآبادى، محمد بن حسن، *الشرح على الكافيه*، بيروت، دارالكتب العلميه.

- ۱۷- روحی برندق، کاوس، «ارائه چارچوبی برای تفسیر و برگردان ساختار آرایت و فروع آن در قرآن کریم: تحلیل ادبی، بلاغی و تفسیری»، *مطالعات قرآنی*، در دست انتشار.
- ۱۸- روحی برندق، کاوس، «میزان پای‌بندی ترجمه‌های معاصر فارسی در برگردان آرایت و فروع آن در قرآن کریم»، *مطالعات سبک شناختی قرآن کریم*، شماره پیاپی ۷، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۹ش.
- ۱۹- روحی برندق، کاوس، «میزان پای‌بندی ترجمه‌های معاصر فارسی در برگردان آرایت و فروع آن در قرآن کریم»، *مطالعات سبک شناختی قرآن کریم*، شماره پیاپی ۷، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۹ش.
- ۲۰- زجاج، ابراهیم بن سری، *معانی القرآن و اعرابه*، به کوشش عبدالجلیل عبده شلبی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸ق.
- ۲۱- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۲- سمین، احمد بن یوسف، *الدر المصون*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- ۲۳- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الأشباه والنظائر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- ۲۴- صبان، محمد بن علی، *الحاشیة علی شرح الأشمونی علی ألفیة ابن مالک*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲۵- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۰ق.
- ۲۶- عبدالباقی، محمد فزاد، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۷- عکبری، عبدالله بن حسین، *التبیان فی اعراب القرآن*، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، چاپ‌خانه حلبی، ۱۳۹۷ق.
- ۲۸- فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.
- ۲۹- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۷ق.
- ۳۰- مبرد، محمد بن یزید، *المقتضب*، به کوشش محمد عضیمه، بیروت، عالم الکتب.
- ۳۱- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۲- نحاس، احمد بن محمد، *اعراب القرآن*، به کوشش زهیر غازی زاهد، قاهره، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.

Bibliography

1. The Holy *Qur'an*.
2. 'Ābdul-Bāqī, Muḥammad Fu'ād, *Al-Mu'jam Al-Mofaḥras li 'Alfāz al-Qur'an al-Karīm*, Beirut, Dār Al-Ma'rifa, 1412 AH.
3. Abū 'Alī Fārsī, Ḥosayn b. Aḥmad, *Al-Masā'il al-Ḥalabiyyāt*, ed. Ḥasan Hindāwī, Damascus, Dār al-Qalam, 1987.
4. Abū Ḥayyān Andulusī, Muḥammad b. Yūsuf, *Al-Baḥr Al-Muḥīṭ*, Beirut, Dār al-Fīkr, 1420 AH.
5. Akhfash, Sa'īd b. Mas'ada, *Ma'ānī al-Qur'an*, Beirut, 'Ālam Al-Kutub, 1405 AH.
6. Bāsim, Muḥammad Ḥusayn, "Ara'yta fi *al-Qur'an* al-Karīm: bayn al-Dilāla al-Naḥwīyya wa al-Siyāq al-Qur'ānī", *Ādāb College of Baqdad University*, no. 113.
7. Dā'il, 'Abdullāh b. Ḥamad, "A Ra'ayt wa Furū'uh: Dirāsa Lughawīyya", *'Um al-Qurā University*, no. 23, Shawwāl 1422 AH.
8. Daqar, 'Abdul-Ghanī, *Mu'jam al-Naḥw*, Damascus, Muḥammad Hāshim Al-Kutubī Publishing House.
9. Darwīsh, Muḥyī al-Dīn, *I'rāb al-Qur'an al-Karīm wa Byānubū*, Homs, Al-Irshīd, 1415AH.
10. Farrā', Yāḥyā b. Ziyād, *Ma'ānī al-Qur'an*, Beirut, 'Ālam Al-Kutub, 1403 AH.
11. FīrūzĀbādī, Muḥammad b. Ya'qūb, *Al-Qāmūs al-Muḥīṭ*, Beirut, Al-Risāla Foundation, 1407 AH.
12. Ḥasan 'Abbās, *Al-Naḥw al-Wāfi*, Tehran, Nāser Khosrw, 1367 SAH.
13. Ibn 'Ashūr, Muḥammad Tāhir, *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*, Beirut, Arabic History Foundation, 1420 AH.
14. Ibn Fāris, Aḥmad, *Maqāyīs Al-Lughba*, ed. Zuhayr 'Abdul-Muḥsin Sulṭān, Beirut, Al-Risāla Institution, 1404 AH.
15. Ibn Hishām, 'Abdullāh b. Yūsuf, *Muqni al-Labīb*, ed. Māzn Mubārak and Muḥammad Ḥamdullāh, Beirut, Dār al-Fīkr, 1399 AH.
16. Mubarrad, Muḥammad b. Yazīd, *Al-Muqtaḍab*, Beirut, 'Ālam Al-Kutub.
17. Muṣṭafavī, Ḥasan, *Al-Taḥqīq fi Kalimāt al-Qur'an al-Karīm*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1430 AH.
18. Naḥḥās, Aḥmad b. Muḥammad, *I'rāb al-Qur'an*, ed. Zuhayr Ghāzī Zāhid, Cairo, 'Ālam al-Kutub, 1405 AH.
19. Pāpatī, 'Azīza Fawāl, *Al-Mu'jam al-Mufaṣṣal fi al-Naḥw al-'Arabī*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya.

20. Raḍīyy al-Dīn Astarābādī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Sbarḥ ‘alā al-Kāfiyya*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
21. Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Al-Mufradāt*, ed. Muḥammad Sayd Kīlānī, Beirut, Dār al-Ma‘rifā.
22. Roohi Brandagh, Kavous, “Adherence Rate of Contemporary Persian Translation in Translation of the Difficult Combinations of the Holy *Qur‘ān*: the case study of *A-Ra‘ayt* and Its Derivations”, *Journal of Stylistic Studies of the Holy Qur‘ān*, no. 2, 1399 SAH.
23. Roohi Brandagh, Kavous, “Providing a Framework for Interpreting and Translating the Style of *A-Ra‘ayt* and Its Derivations in the Holy *Qur‘ān*: a Literary, Rhetorical and Interpretive Analysis”, *Qur‘ānic Studies*, to be published.
24. Ṣabbān, Muḥammad b. ‘Alī, *Al-Ḥāshīya ‘alā Sbarḥ al-Ashmūnī ‘alā Alfīyya Ibn Mālik*, Beirut, Dār al-Kutub Al-‘Ilmīyya.
25. Samīn, Aḥmad b. Yūsuf, *Al-Dur al-Maṣūn*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1414 AH.
26. Sāmīrrā‘ī, Fāḍil Ṣāliḥ, *Ma‘ānī al-Naḥw*, Amman, Dār al-Fikr, 2000.
27. Suyūṭī, ‘Abdul-Raḥmān b. Abī Bakr, *Al-Ashbāb wa al-Nazā‘ir*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
28. Ṭabāṭabāyī, MuḥammadḤoseyn, *Al-Mizān*, Beirut, A‘lamī, 1390 AH.
29. Tha‘lab, Aḥmad b. Yaḥyā, *Al-Majālis*, ed. ‘Abdus-Salām Muḥammad Hārūn, Cairo, Dār al-Ma‘ārif, 1368 AH.
30. ‘Ukbarī, ‘Abdullāh b. Ḥusayn, *Al-Tibyān*, es. ‘Alī Muḥammad Bajāwī, Cairo, Al-Ḥalabī Publishing House, 1397 AH.
31. Zajjāj, Ibrāhīm b. Sarīyy, *Ma‘ānī al-Qurān wa I‘rābubūb*, Cairo, Dār al-Ḥadīth, 1408 AH.
32. Zamakhsharī, Maḥmūd b. ‘Umar, *Al-Kasbsbāf*, Beirut, Dār al-Ma‘rifā.